

# پیام راهبرده برای امروز ما

گفت‌وگو پیرامون راهبردهای پیامبر  
و درس‌هایی که می‌توان از آن گرفت



یاسر قزوینی

دبیرپرونده یاسر قزوینی حائری  
استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران  
است. او صاحب کتب و مقالاتی  
در حوزه‌های تاریخ جهان اسلام و  
مسائل جهان اسلام است.

در این گفت‌وگو سید جلال دهقانی فیروزآبادی، استاد روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با ما همراه است. دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی آثار متعددی دربارهٔ روابط و امنیت بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران منتشر کرده است. او نگاه ویژه‌ای به راهبردهای پیامبر اعظم (ص) در دوران نبوت دارد. دکتر دهقانی در این گفت‌وگو به بهانهٔ کتاب نخستین بهار، دربارهٔ راهبردهای پیامبر اعظم (ص) در روابط با «دیگران» سخن گفته و به مباحث کتاب نخستین بهار نیم‌نگاهی دارد و نقاط قوت و ضعف این کتاب را از زاویه نگاه خود تحلیل می‌کند.

بی‌منطق باشند توصیه به تدبیر در آن‌ها بی‌معنی و غیرعقلانی است و این توصیه، از عقل کل صادر نمی‌شود. در این بین گونه‌های مختلفی از قوانین داریم:

## قوانین عینی فرازمانی و فرامکانی ثابت:

تابعی از عملکرد انسان‌ها و جوامع انسانی در طول تاریخ و دوره‌های مختلف تاریخی است. برای نمونه افعالی نظیر ظلم، کذب و اسراف و تبذیر، آثاری وضعی و نتایجی قطعی در اقوام و جوامع در طول تاریخ دارند. دروغ‌گویی و اسراف و تبذیر، آثار وضعی فرازمانی و فرامکانی در همهٔ اعصار دارند؛ یعنی هر قوم و ملتی ظلم کند، دچار فروپاشی می‌شود. انسان در هر دورهٔ تاریخی در رفتارارش مختیر و مختار

منطق و اصول حاکم بر تاریخ و پدیده‌های تاریخی یا سنن تاریخی را باید کشف کرد و از آن‌ها آموخت. اینها، همان ثوابت تاریخی‌ای هستند که شما گفتید. ساز و کار استخراج این ثوابت یا اصول، به فلسفهٔ تاریخ بستگی دارد. آیا بر تاریخ سنن، قوانین و قواعد خاصی حاکم است؟ یعنی آیا قوانین و قواعد تاریخی، خود فراتاریخی است؟ از آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که تاریخ، قاعده‌مند است. آیاتی وجود دارد که به تدبیر در تاریخ و حوادث تاریخی و سرگذشت و سرنوشت اقوام و جوامع گذشته توصیه می‌کند نظیر «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (بگوروی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد!). چون اگر تاریخ، بی‌قاعده؛ و حوادث تاریخی، تصادفی و

با توجه به تفاوت شرایط زمانی چگونه می‌توان از تاریخ، به‌ویژه تاریخ کهن درس گرفت، آیا ساز و کاری برای این کار وجود دارد؟ آیا می‌توان گفت ما در تاریخ، ثوابت و متغیراتی داریم که از ثوابت آن می‌توانیم درس بگیریم و راهبرداخذ کنیم اما از متغیرات آن نه؟

بله می‌توان درس گرفت. البته نه با ابزار معرفت‌شناختی قیاس تاریخی؛ چون یکی از انحراف‌های معرفت‌شناختی، قیاس تاریخی است که مبتنی بر این انگاره است که یک پدیدهٔ تاریخی عیناً تکرار می‌شود؛ در حالی که در واقع این گونه نیست و این قیاس، ما را دچار سوء برداشت و سوء ادراک می‌کند. هر حادثهٔ تاریخی را باید در ظرف زمانی و مکانی خاص خودش فهمید و تبیین و تحلیل کرد.